

آل سعود و تخریب بقیع!

<?xml encoding="UTF-8?>



مقدمه

«بقیع» آرامگاه مردان و زنان مؤمنی است که دل های عاشقان را به سوی خود پرواز می دهد. غربت بقیع از چند جنبه است و دل را آتش می زند؛ غربت بهترین های خلق که در میان سرزمینی پر از خاک، بدون بارگاه هم می درخشند! و از آن بالاتر غربت عرشیان در میان فرشیان که حضورشان را نه تنها غنیمت ندانستند که بی هیچ کوتاهی، ستمها بر آنان روا داشتند. براستی چرا بنای بارگاه و گلدسته و آرامگاهی باشکوه بر ساکنان بقیع را جایز ندانسته اند؟! این مقاله به بررسی این موضوع می پردازد.

بنای بر قبور

از جمله موضوعات مورد اختلاف مسلمانان با وهابیان بنا و ساختن گنبد و بارگاه و گلدسته بر روی قبور است. مسلمانان در طول تاریخ به این سنت عمل کرده و بر جواز و استحباب آن به ادله ای از کتاب و سنت تمسک کرده اند. خصوصاً آن که این عمل را موافق با عقل و روش عقلا می دانستند. ولی از زمان ابن تیمیه مخالفت با این عمل شروع شد و بناها و گنبد و گلدسته ها از مظاهر شرک شناخته شد، تا زمان آل سعود که این عقیده به حدی اوج گرفت که آل سعود عملاً به مخالفت با آن پرداختند و با فتوایی که از علمای وهابی صادر شد امر به تخریب گنبد و بارگاه و گلدسته ها و بناهای قبور داده شد. از این رو تمام بناهای قبور به جز بارگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که آن هم از خوف مسلمانان بود، تخریب شد.

چرا مخالفت با بنا؟!

بر اساس فتوای وهابیون ساختن بنا و گلدسته و بارگاه بر روی قبور ولو آن که صاحبان آن قبور اشخاص برجسته و ممتازی باشند، حرام است. ابن تیمیه می گوید: مشاهدی که بر روی قبور انبیاء و صالحین از عامه و اهل بیت بنا شده است همه از بدعت های حرامی است که در دین اسلام وارد شده است. او در جای دیگری می گوید: شیعه مشاهدی را که بر روی قبور ساخته اند تعظیم می کنند و شبیه مشرکین در آنها اعتکاف می کنند و برای آنها حج انجام می دهند همانگونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می دهند. اعضای استغنائی دائمی وهابیون می نویسند: بنای بر قبور بدعت منکر است که در آن غلو در تعظیم صاحب قبر و راهی به سوی شرک است و لذا بر ولیّ مسلمین یا نایب اوست که امر به تخریب بناهایی کند که روی قبور ساخته شده و آنها را با زمین یکسان سازد تا با این بدعت عملاً مقابله شده و راه شرک بسته شود. ناصرالدین البانی در پیشنهادی به آل سعود برای تخریب گنبد سبز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می گوید: «از جمله اموری که جای تأسف دارد این است که مدتی است بر روی ساختمان قبر پیامبر گنبد سبزی ساخته شده است به اعتقاد من اگر دولت سعودی می خواهد داعی توحید داشته باشد باید مسجد نبوی را به حالت سابقش برگرداند.»

بر اساس این فتواها معلوم می شود که وهابیون بنای بر قبور و تعظیم آن را نشانه ی شرک می دانند و با آن مخالفت می کنند، در حالی که بر اساس دلایل عقلی و نقلی می توان این ادعا را مطرود دانست. از زمان ابن تیمیه مخالفت با این عمل شروع شد و بناها و گنبد و گلدسته ها از مظاهر شرک شناخته شد، تا زمان آل سعود که این عقیده به حدی اوج گرفت که آل سعود عملاً به مخالفت با آن پرداختند و با فتوایی که از علمای وهابی صادر شد امر به تخریب گنبد و بارگاه و گلدسته ها و بناهای قبور داده شد

بنای بر قبور مظهر شرک؟!

بر اساس ادعای وهابیون بنای بر قبور از مظاهر شرک و یا راهی به سوی شرک است. در پاسخ می توان گفت: شرک دو رکن و عنصر اساسی دارد. این که انسان عملی انجام دهد که نشانه ی خضوع برای کسی باشد و دیگر این که اعتقاد به الوهیت و یا ربوبیت آن کس داشته باشد که برای او خضوع می کند. این دو رکن اساسی که از آیات قرآنی برآمده است، در مورد بنای بر قبور صادق نیست. زیرا کسانی که مشاهد اولیای الهی را تعظیم می کنند بنای آنها به قصد تعظیم با اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت نیست. به علاوه اگر کسی به طور حتم این قبور را برای شرک بنا کند حرام است ولی اگر کسی برای تعظیم شعائر الهی بنا کند نه تنها اشکالی ندارد بلکه مستحب هم هست.

برخی از مخالفان از وهابیون ادعا نبوده اند که حتی اگر این عمل شرک نباشد اما تشبه به مشرکان را به دنبال

دارد. زیرا مشرکان نیز چنین اعمالی را انجام می دهند. در پاسخ باید گفت اگر مشرکان بنا و بارگاه بر روی قبور بزرگان خود می ساختند به جهت تعظیم و تکریم آنها به عنوان ربّ بوده است. لذا اسلام آنان را از این جهت مذمّت نموده است و این به خلاف بنای بر قبور اولیای الهی در میان مسلمانان است. از سوی دیگر مطلق تشبّه به مشرکین و کفّار حرام نیست بلکه در موارد اختصاصی و در شعائر آنان خصوصاً به قصد احیای شعائر و آئین کفار حرمت وارد شده است.

اما در بنای بر قبور نمی توان گفت که از اعمال اختصاصی مشرکان است. بنابراین نمی توان این عمل را از مصادیق تشبّه به کفار و مشرکان دانست.

بدعت ممنوع !

از دیگر ایرادهای وهابیون که بر این موضوع یعنی بنای بر قبور وارد می سازند آن است که بنای بر قبور را بدعت منکر می دانند که شیعیان وارد در دین نموده اند. در پاسخ باید گفت بدعت دو رکن اساسی دارد یکی آن که زیاده یا نقیصه ای در دین باشد و دیگری آن که دلیل عام یا خاصی بر آن امر حادث موجود نباشد. در حالی که برای بنای بر قبور هم دلیل خاص داریم و هم دلیل عام. و اما دلیل خاص سنّت و سیره ی سلف از مسلمانان است که همواره به تعظیم اولیای الهی و بزرگان دین با نصب بنا و بارگاه بر قبور آنان می پرداختند. با مراجعه به تاریخ مسلمین بعد از ظهور اسلام پی می بریم که بنای بر قبور، سیره عملی مسلمانان در طول تاریخ بوده و مورد اعتراض هیچ یک از صحابه و تابعین تا این زمان واقع نشده است و تنها وهابیون در عمل و گفتار با این عمل مخالفت نموده اند. دلیل عام نیز برگرفته از آیات قرآنی در مورد بنای قبور وجود دارد. در واقع اگرچه قرآن کریم به مسئله بنای بر قبور به طور صریح و خاص نپرداخته است اما می توان حکم آن را از ضمن آیات استفاده نمود.

تعظیم شعائر الهی و بنای بر قبور

خداوند متعال در قرآن کریم امر به تعظیم شعائر الهی کرده و آن را دلیل تقوای قلوب می داند، آن جا که می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/32)؛ با هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد این صفت دل های با تقواست. شعائر جمع شعیره به معنای دلیل و علامت است و شعائر الله اموری هستند که دلیل و علامت و نشانه ای به سوی خداوند متعالند و هر کسی که می خواهد به خدا برسد با آن دلیل و نشانه می تواند به خدا برسد.

در قرآن کریم صفا و مروه از شعائر الهی شمرده شده است. همچنین همه مناسک حج شعائر نامیده شده اند

زیرا نشانه های به سوی توحید و خداوندند. اگر این امور از شعائر دین خدایند و مردم را متذکر به توحید و دین اسلام می کنند، شکی نیست که وجود انبیاء و اولیای الهی بزرگ ترین و بارزترین نشانه های دین خداوند است. از این رو حفظ و صیانت آثار آنان و حفظ قبورشان و بنای قبر و گلدسته بر آن نیز در راستای همین اهداف است. زیرا این اعمال در حقیقت تعظیم اشخاصی است که خود و سنتشان شعائر الهی است. ناصرالدین البانی در پیشنهادی به آل سعود برای تخریب گنبد سبز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می گوید: از جمله اموری که جای تأسف دارد این است که مدتی است بر روی ساختمان قبر پیامبر گنبد سبزی ساخته شده است به اعتقاد من اگر دولت سعودی می خواهد داعی توحید داشته باشد باید مسجد نبوی را به حالت سابقش برگرداند

بنای بر قبور از مصادیق مودّت ذوی القربی

قرآن کریم به صراحت امر به مودّت و محبت اقرбай پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده آن جا که می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/ 23)؛ بگو از شما تقاضای اجر و مزدی نمی کنم مگر مودّت ذوی القربی. واضح است که بنای بر قبور اقرбай پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مصادیق اظهار مودّت و محبت اهل بیت است. زیرا محبت بروز و ظهور دارد و تنها مورد آن محبت قلبی و اطاعت نیست تا حدی که مشمول نهی صریح از آن مورد نشده باشد.

بنای بر قبور مصداق ترفیع بیوت

خداوند متعال در قرآن کریم اذن داده است که خانه هایی که در آنها یاد خدا شده رفعت پیدا کند: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/ 36)؛ در خانه هایی که خدا رخصت داده رفعت یابد و در آن ذکر خدا شود و صبح و شام در آن تسبیح ذات پاک او کنند. با توجه به این آیه ی شریفه بیوت تنها مساحد نیست بلکه کلیه اماکن و مکان هایی است که در آنها یاد خدا می شود همانند بیوت انبیاء و ائمه به علاوه مقصود از «رفع» در آیه تعظیم و ترفیع بیوت است که همان تعظیم معنوی است که می تواند اشاره به بالا بردن ساختمان قبر هم باشد که همان رفع ظاهری است. بنابراین اگر رفع مقصود ترفیع بنا باشد دلالت صریح بر بنای بر بیوت انبیاء و اولیای الهی دارد خصوصاً آن که مدفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعدادی از ائمه خانه هایشان بوده است و اگر مراد از رفع، رفع و تعظیم معنوی باشد نتیجه آن تکریم و حفظ بیوت انبیاء و اولیای الهی است که عموم آن شامل بنای بر قبور اولیای الهی و تعمیر آن نیز می گردد. از این رو می توان از آن آیه جواز بنای بر قبور را بدست آورد.

نتیجه گیری

بر اساس ادله خاص و عام که ذکر شد و نیز پاسخ هایی که به ایرادهای وهابیون در موضوع بنای قبور داده شد می توان نتیجه گرفت که عمل ایشان در این باره و تخریب بارگاه ائمه بقیع در هر صورت محکوم و غیرقابل دفاع است و امید است روزی بیاید که غربت بقیع دیگر جانسوز قلب ها نباشد.

فهرست منابع و مآخذ

- 1- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، علی اصغر رضوانی
- 2- منهاج السنّه، ابن تیمیه، ج 2
- 3- تحذید المساجد من اتخاذ القبور مساجد، البانی
- 4- مقالات الکوثری به نقل از شرع صحیح مسلم، ج 2
- 5- شیعه در اسلام، علامه طباطبایی
- 6- تفسیر المیزان، علامه ی طباطبایی